



شماره ۴۶ ، سال چهارم - مرداد ماه ۱۳۸۷ برابر با اوت ۲۰۰۸

نشریه برومنزی

جبهه ملی

ارگان نیروهای ملی ایران

سر مقاله

هوشمنگ کردستانی

همبستگی سازمان و انضباط تشکیلاتی کلید موقتی

جبهه ملی ایران همواره بر آن بوده که ایران با تاریخ و تمدن کهن، جایگاه و مؤفتیت ژئوپولیتیک و ژئو-اکonomی ویژه، شایستگی احراز جایگاه مطلوب در نظام بین الملل و مشارکت مؤثر در تصمیم‌گیری‌های منطقه‌ای و جهانی را دارد. ولی آنچه سبب گردیده با وجود داشتن امکانات بالقوه گفته شده نتواند به مقام و موقعیت مورده نظر نایل شود، همانا استمرار نظام استبدادی در آشکال مختلف آن بوده است. نظامی که از یک سو بقای خود را در منع و نفی آزادی، مردم سالاری، رعایت حقوق بشر و حکومت قانون دانسته و از سوی دیگر توسل به خشونت، انگیزاسیون فکری و تفرقه افکنی را بعنوان تضمین اقایی موجودیت خویش تشخیص داده و راه را بر فعالیت‌های آزاد حزب، گروه‌های سیاسی و مطابعات مسدود ساخته است. بدیهی است در شرایط پس خطیر کنونی که جامعه ایران در نتیجه ضعف مدیریت متفاصلان به ارزش‌های بنیادگرایی در امور داخلی و خارجی خود با نارسایی‌ها، نابسامانی‌ها، دغدغه‌ها و نگرانی‌های خاص روپرداز است، منطق و ضرورت زمان ایجاد بقیه در ص ۷

در این شماره می‌خوايد:

- درسها بایی که از رویداد گرجستان باید گرفت هوشمنگ کردستانی
- همبستگی سازمان و انضباط تشکیلاتی کلید موقتی پیام جبهه ملی ایران
- یورش ددمنشانه روسیه به کشور مستقل گرجستان را محکوم می‌کنیم دبیرخانه حزب ملت ایران
- باور به اصول و هدفهای جبهه ملی ایران پیام جبهه ملی ایران
- ضرب شستی به جاعلان نام خلیج فارس مجله خواندنی ها
- جهانگیر لقائی
- بیانیه فرهنگیان و فرهیختگان افغانستان
- شکست دور از انتظار کاروان ورزشی ایران هوشمنگ کردستانی
- بخشی از شعر منظومه سروده ای از شادروان محمد علی راشد

درسها بایی که از رویداد گرجستان باید گرفت

گرجستان دارای مساحتی حدود ۷۰ کیلومتر مربع، با چهارونیم میلیون جمعیت است. این کشور در کناره دریای سیاه قرار گرفته و پایتخت آن شهر تفلیس است که دارای جمعیتی حدود یک میلیون می‌باشد.

مردم این سرزمین در درازای تاریخ همواره پیوند نزدیک با سرزمین مادری ایران داشته‌اند. در بخشی از گرجستان (یعنی استیای جنوبی) ایرانی تبارانی زندگی می‌کنند که به زبان پارسی سخن می‌گویند و خود را وارد تمدن ایرانی می‌دانند. بخش دیگر گرجستان به نام ایرپیا در طول تاریخ همواره جزیی از سرزمین ایران بزرگ بوده است. بر سر تسلط بر سایر بخش‌های گرجستان بارها میان ایران و روم شرقی جنگ‌ها و درگیری‌های خونینی رخ داده و این سرزمین میان این دو قدرت دست پدست گشته است.

با انفراض امپراتوری صفوی در زمان سلطنت شاه سلطان حسین به دست محمود و همراهان بی فرهنگ و بدور از سیاست او و به دلیل ناگاهی‌های محمود از رویدادهای دنیا، توانایی‌های نظامی قدرت‌های آن روز جهان و نیز عدم علاقمندی محمود به حفظ تمامیت ارضی ایران، بخش‌های شمالی سرزمین امپراتوری صفوی از جمله گرجستان صحنه تاخت و تاز دو قدرت روسیه تزاری و عثمانی گردید.

آغامحمد خان قاجار پس از آنکه سلسه زندیه را برانداخت و تهران را بعنوان پایتخت برگزید، به شمال ایران لشگر کشید و تمامی آن منطقه و نیز گرجستان را مجدداً به ایران بازگردانید. پس از مدتی که اوضاع گرجستان به دلیل تحрیک‌های کاترین (پادشاه روسیه) رو به وخامت گذارد، آغامحمد خان بار دیگر عازم گرجستان گردید. ولی در پی مرگ کاترین، جانشین او با ایران از در دوستی درآمد و از ادعای خود بر گرجستان چشم پوشید.

پس از کشته شدن آغامحمد خان و به سلطنت رسیدن فتحعلی شاه، در جنگهای ایران و روسیه که شوربختانه به شکست ایران انجامید. با انعقاد قراردادهای ننگین گلستان بقیه در ص ۳

ایران متعلق به همه ایرانیان است

باور به اصول و هدفهای جبهه ملی ایران

در نیمه دوم خردادماه سال ۱۳۸۷ با انتشار مطالبی غیرواقعی در یکی از رسانه‌های بیگانه که برنامه‌های گسترده رادیو و تلویزیونی به زبان فارسی دارد و به دلیل سانسور صاحبان قدرت در ایران گروهی از مردم خبرها را در آن رسانه جستجو می‌کنند، جبهه ملی ایران مصلحت در آن دید که با هشداری قاطع به سیاری از پراکنده گویی‌ها پایان بخشد و از ایجاد شایعات پیشگیری بعمل آورد. ولی این بهانه ای شد که مخالفان جبهه ملی ایران که از مدت‌ها قبل خود را برای ورود به چنین صحنه‌ای آماده کرده بودند به نوشتن مقالاتی در بعضی از سایت‌های اینترنتی و استفاده از سایر وسایل ارتباط جمعی اقدام کنند. آنان می‌خواستند جبهه ملی را که برای حفظ تمدن ارضی و استقرار حاکمیت ملت و استقلال ایران زمین و فراتر از آن برای رسیدن به آزادی و دموکراسی دهه‌های متولی است که با شناخت واقع بینانه مسائل سیاسی و اجتماعی در صحنه سیاست ایران حضوری آشکار دارد بگوئه ای معروفی کنند که امید به جبهه ملی بستن خطاست. ولی غافل از آنکه برخورد منطقی و خردورزانه جبهه ملی با وجود متفاوت مسائل سیاسی و اجتماعی از این سازمان ملی چهره‌ای متعادل، آینده نگر و مورد قبول اکثریت بزرگی از ملت ایران را ساخته است. آنان بر آن بودند خود را مشیر و مشار این جبهه معرفی کنند تا شابد در فرستی که برایشان مهیا می‌کنند به موازی جبهه ملی ایران و اندیشه‌های روش و شفافش آنچه در ذهن دارند ولی با اندیشه‌های جبهه ملی ناهمگون است نظرات جبهه ملی اعلام نمایند. اگر این تحرکات و اقدامات آگاهانه بوده است برخلاف خط مشی جبهه ملی و مصالح ملی مردم ایرانست و اگر از روی ناگاهی صورت گرفته بدون تأمل باید متوقف شودتا از ایجاد تردید میان مردم ایران بکاهد. جبهه ملی ایران به نیروی ملت ایران متکی است و واستگی به هیچ بیگانه‌ای را برای طرفداران آزادی و دموکراسی بر نمی‌تابد. جبهه ملی ایران سازمانی است مترقبی و متکی به اصول دموکراسی و در عین حال برای بقای سازمانی حداقل هایی را که در یک جبهه باید مورد نظر باشد ضروری می‌شمارد. آنکه خود را عضو جبهه ملی ایران می‌دانند باید به همه اصول و اهداف جبهه ملی معتقد باشند. جبهه ملی هیچگاه سازمانی پنهانی نبوده و نیست. اما اگر مطالبی را باید از طبق مصاحبه و اطلاعیه به آگاهی همگان رساند و یا چه کس و چه کسانی در اعلام نظریات رسمی جبهه ملی مسئولیت دارند از ایندیابی ترین اصول تشکیلاتی است که عدم رعایت آن انسجام سازمانی را سست می‌کند. البته امکان برخورد عقاید و آراء درباره مسائل روز و گفتگو درباره استراتژی و تاکتیک های لازم در جبهه ملی ایران همیشه وجود دارد ولی به طور قطع بر مبنای اصول هفتگانه مصوب پلنوم آبان ماه سال ۱۳۸۲ می‌تواند باشد نه جدای از آن. همانطور که هیئت‌های رهبری و اجرایی جبهه ملی با هشداری به موقع به بعضی از تحرکات ویرانگر اشاره کرددند نباید اجازه داده شود که مخالفین هدفها و اصول مورد نظر جبهه ملی بحث هایی را به میان یاران جبهه ملی توسعه دهند تا جبهه ملی را که برای استقرار حاکمیت ملی و آزادی و دموکراسی به وجود آمده و سالها در این راه مبارزه کرده است در حرکت و موضع گیری هایش دچار نقصان نمایند. جبهه ملی ایران خواستار ایجاد و استمرار هماهنگی همه نیروهای ملی معتقد به آزادی و دموکراسی است و وفاداران به راه جبهه ملی باید در این راستا کوشنا باشند.

پاینده ایران
ای آفریدگار پاک ترا پرستش می‌کنم و از تو یاری می‌جویم

یورش ددمنشانه روسیه به کشور مستقل گرجستان را محکوم می‌کنیم

هم میهنان:

یک بار دیگر استعمار خود نمایی کرد و یکپارچگی و آزادی ملتی را پایمال نمود، تاریخ روابط روسیه و همسایگانش سرشار از تجاوز، دورنگی و دشمنی های پنهان و بیدای دولت همسایه آزار روسیه بوده است.

روش اخیر این دولت در مورد تحریم‌های اقتصادی ایران با وجود میلیاردها دلار داد و ستد تجاری و همچنین نظامی کردن دریاچه مازندران علی رغم مفاد قراردادهای ایران و روسیه شوروی یا درنگ شک برانگیز در راه اندازی نیروگاه عقب افتاده از نظر علمی و فنی همگی مؤیدی بی ثباتی این دولت در دوستی با همسایگان و ثبات در دشمنی با ایشان است، امروز نیز دولت متجاوز روسیه پس از چن گوشه دیگری از قفقاز (گرجستان) را به زیر جکمه نظامیان خویش کشیده است.

در زمانی که بلوک شرق فرو پاشید امید آن می‌رفت که دیگر بهانه مداخله نیروهای بیگانه در سرنوشت ملت‌ها از بین رفته است اما استعمار این بار در لباس نو به میدان آمد و اولین گام را در بالکان برداشت با زنده کردن دشمنی‌های فراموش شده و تبدیل تفاوت‌ها به اختلاف. اکنون نیز روس‌ها در صدد برآمده اند ضربه‌ای را که گمان می‌کنند در بالکان خورده اند در گرجستان جبران کنند. و بهانه را نیز ندانم کاری زمامداران گرجستان به دست ایشان داده است.

حزب ملت ایران که همواره دغدغه سرنوشت باشندگان در حوزه فرهنگی ایران را داشته و دارد، ضمن محکوم کردن رویه جنایت باری که روس‌ها در گرجستان در پیش گرفته اند از مردم گرجستان (از گرج، آلان و اوستیابی) می‌خواهد که تجربه تجزیه از ایران را به یاد آورند و آگاه باشند تنها همبستگی و توجه به برطرف کردن کمبودها و کوشش در همگرایی بیشتر است که می‌تواند سعادت اشان را دری بی داشته باشد. نه انکا به قدرت‌های توسعه طلب منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای.

حزب ملت ایران در این زمان لازم می‌داند عوایق شوم اتکا به قدرت‌های خارجی را به دلبستگان به نیات خیر بیگانگان اهشدار دهد. برای ایستادگی در برابر زورگویی‌های بیگانه و خودی نباید خود را وامدار بیگانگان کرد. چرا که تنها قدرتی که توان ایستادگی در برابر و پیروزی بر تمامی مشکلات را دارد، قدرت بی‌پایان ملت‌های است.

ما از تمامی ملت‌های دربند استبداد و گرفتار آزمندی قدرت‌های استعماری می‌خواهیم به توانایی‌های خود تکیه نمایند و با ادامه مبارزه آزادیخواهانه تا استقرار حکومتی مردم سalar و کوتاه کردن دست اجانب داخلی و خارجی از سرزمین خود شاهد پیروزی و سرافرازی ملت و کشور خود باشند.

احترام به حقوق بین الملل وظیفه تمام کشورهاست
پیروزی باد ملت ایران

بر قرار باد جبهه همبستگی ملی برای مردم‌سالاری
دیبر خانه حزب ملت ایران، تهران - ۲۹ امرداد ۱۳۸۷ خورشیدی

همکاری با حاکمان جمهوری اسلامی، ضدیت با ملت ایران است

به نقل از مجله خواندنی

در گذشت شادروان تورج نگهبان

تورج نگهبان ترانه سرای نامدار در غربت و دور از وطن به ادبیت پیوست و آسمان ادب ایران یکی از ستاره های شایسته خود را از دست داد.

غربت و غم وطن سرانجام تورج نگهبان را که عاشق ایران بود از بای در آورد.

در گذشت این چهره تابناک فرهنگی و هنری را به خانواده نگهبان و جامعه فرهنگی و هنری ایران صمیمانه تسليت می گویند.

هیأت اجرایی جبهه ملی - خارج از کشور

در سهایی که از رویداد گرجستان باید گرفت بقیه از ص ۱ و ترکمن چای، گرجستان همراه با هفده شهر قفقاز زیر نفوذ و تسلط روسیه تزاری قرار گرفت.

از آن تاریخ به بعد، گرچه وابستگی های سیاسی و پیوندهای خاکی ایران و گرجستان از میان رفت، ولی روابط عاطفی، فرهنگی و تاریخی میان دو ملت همچنان پابرجا ماند.

پس از تشکیل کشور روسیه شوروی، گرجستان به صورت یک جمهوری با سه استان خودمختار جزوی از آن کشور شد ولی با فروپاشی روسیه شوروی، گرجستان نیز همانند سایر جمهوری های وابسته به آن به استقلال رسید. به دنبال انقلاب معروف به «مخملی»، که در جهت دور کردن گرجستان از روسیه و نزدیک نمودن آن به غرب انجام گرفت، شخصی به نام میخائیل ساهاکاشویلی به قدرت رسید. او پس از مدت کوتاهی پس از رسیدن به قدرت، با نارسایی ها و دشواریهای زیاد در درون کشور مواجه شد و مخالفت های شدیدی را علیه خود برانگیخت که موقعیت او را به خطر انداخته است. ساهاکاشویلی تصوّر می کرد چنانچه به اقدامی برای از میان برداشتن خودمختاری استیای جنوبی دست زند، مردم گرجستان برای مدتی هم که شده نارسایی ها و گرفتاری های داخلی را فراموش کرده و چه بسا پشت سر دولت او قرار گیرند. از این روز، با آغاز بازیهای المپیک پکن به این منطقه خودمختار هجوم بردا.

او می پنداشت در آستانه بازیهای المپیک، روسیه دست به اقدام حادی در حمایت از مردم استیای جنوبی نخواهد زد و او خواهد توانست با یک بورش برق آسا برای همیشه به خودمختاری آن استان پایان دهد.

ساهاکاشویلی همچنین برآورد می کرد چنانچه احتمالاً روسیه به یاری استیای بستابد، او نیز متقابلاً از حمایت دولت های بزرگ غربی برخودار خواهد شد. او درخواست عضویت گرجستان به بیمان ناتو را برگ برندۀ برای خود به حساب می آورد.

این پندارها اما، به دلیل موقع ناشناسی و نیز خوش باوری های غیرواقع بینانه او نادرست از کار در آمد. روسیه در برابر بورش قوای ساهاکاشویلی به استیای (که بنا بر گزارش خبرگزاریهای غربی باعث کشته شدن ۱۶۰۰ تن غیرنظامی و ۲۰ تن از صلح بانان روسی گردید) واکنشی تند

بقیه در ص ۷

ضرب شستی به جاعلان نام خلیج فارس

اگر چه تعدادی از سازمان ها و نهادهای دولتی ایران واکنش باشته ای در برابر کوشش محافل و دولت های عربی برای به کارگیری نام جعلی خلیج عربی نشان نمی دهند، اما گروه های مردم پاک نهاد، فرهیختگان، هنرمندان و حتا ایرانیان درگیر با مسایل روزمره ژندگی، به شیوه های گوناگون برای بی اثر سازی این توطئه، واکنش نشان می دهند. یکی از جالب ترین و جدیدترین کارها را یک گروه نفوذگرا (هکر) ایرانی با گنجاندن نقشه و نام واقعی خلیج فارس در صفحه ورودی تعدادی از دیدارگاه های دولتی و یا تحت کنترل و نیز دانشگاه های عربی، انجام داده است.

در مورد این کار شایان توجه، دیدارگاه تابناک در گزارشی نوشته است:

یک گروه هکر (نفوذگر) ایرانی ده ها وب سایت در کشورهای عربی را به دلیل جعل نام خلیج فارس هک کرده است.

در این اقدام، حدود یکصد وب سایت متعلق به سازمان های دولتی، دانشگاه ها، نشریات و شرکت های مستقر در تعدادی از کشورهای عرب حوزه خلیج فارس توسط یک گروه هکر ایرانی هک و در آن ها تغییراتی داده شده است. این گروه نقشه ای همراه با یک پیام حاوی تأکید بر دست بودن نام خلیج فارس را در وب سایت های این سازمان ها وارد کرده است.

بهروز کمالیان، رهبر این گروه هکر، به اینجا گفته است که در این اقدام، «ظاهر وب سایت های شماری از سازمان ها در کشورهای عربستان سعودی، امارات متحده عربی، بحرین، عمان و عراق را با صفحه ای همراه با نقشه ایران و نام خلیج فارس تغییر داده ایم».

کمالیان هدف از این نفوذ اینترنتی را محکوم کردن تلاش برای تغییر نام تاریخی خلیج فارس و استفاده از یک نام معقول در وب سایت های عربی عنوان کرده است.

روزنامه الخليج، چاپ امارات متحده عربی، لیگ خلیج عرب، وزارت آموزش عالی عراق، اداره پلیس ابوظبی، دانشگاه میادین در عربستان سعودی، هیأت مردم امارات و شرکت گاز عمان از جمله سازمان هایی هستند که وب سایت آن ها به این ترتیب توسط گروه ایرانی هک شده است.

اقدام گروه هکر ایرانی، که به نوشته اینجا در شهر یزد فعالیت دارد، نشانه ای از خشم ایرانیان از کاربرد عنوان خلیج عربی به جای خلیج فارس توسط برخی نهادها در کشورهای عربی است.

*

جهانگیر لقائی (آلمان)

متعدد، اتحادیه اروپا، سازمان ناتو، بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی، شورای متحده کشورهای حوزه خلیج فارس و دیگر سازمان‌های مشابه از نمونه‌های آن می‌باشند. این سازمان‌ها یکی از مهمترین بسترهای نزدیکی میان ارزش‌ها و معیارهای مختلف فرهنگی به یکدیگر بود و مهمترین نقش را در روند جهانی شدن بازی کرده و بازی خواهند کرد. اعضای این سازمانها که حامل منافع و فرهنگ‌های مختلفی هستند می‌آموزند که نزدیکی دیدگاه هایشان و سازش بر سر منافع حیاتی شان را بدون خشونت و جنگ به انجام برسانند. در کشاکش همین درگیری‌ها و سازشهاست که به تدریج انسان‌ها خصوصیات ملی - فرهنگی و ساختاری خاص ملت خود را از طریق جایگزینی خصوصیات ابتدا فرا منطقه‌ای و سپس جهانی از دست می‌دهند و انسانها بیشتر و بیشتر به هم شبیه می‌شوند. این پدیده را Globalisierung یا جهانی شدن می‌نامند. جهانی شدن روندی است که در دل دو پدیده Transnationalisierung و Internationalisierung و خود نتیجه منطقی آن است. در دنیای جهانی شده دیگر کسی خود را ایرانی، آلمانی، کنگویی و ... نمی‌داند، بلکه او خود را زمینی می‌شناسد. هر فرد خود را عضوی از جامعه جهانی می‌شناسد و می‌فهمد. آتنونی کینگر این پدیده را چنین تعریف می‌کند: «جهانی شدن عبارتست از پدید آمدن چنان روابط نزدیک و فشرده اجتماعی که در اثر آن، مناطق از هم دور دنیا در چنان رابطه‌ای قرار گیرند که واقعی که در یک نقطه از جهان اتفاق می‌افتد متاثر از واقعی باشد که در یک نقطه کاملاً دور دیگر دنیا بوقوع پیوسته است.»

جهانی شدن یک روند است و مانند همه پروسه‌ها مرحله آغازین، دوران رشد و دوران بلوغ دارد. این روند سپهرهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و همچنین افراد، جوامع و سازمان‌ها و دولت‌ها را در بر می‌گیرد. علت شتاب غیرمنتظره آن در سالهای اخیر پیشرفت‌های سریع علمی و فنی بخصوص در عرصه ارتباطات و حمل و نقل می‌باشد. تصمیم سیاسی بسیاری از دولت‌ها بتویژه پس از فروپاشی اتحاد شوروی و اقمارش به پیروی از مکتب لیبرالی اقتصاد و نظم تجارت جهانی بر شتاب این روند افزوده است.

اموجی که جهانی شدن را به پیش برد ۵ اند
۱- موج اول: قرن‌های ۴ تا ۷ میلادی - دوره‌ای که در آن دو دین بزرگ مسیحیت و اسلام جهانی شده و تمدن‌های فراقاره ای تشکیل دادند.

۲- موج دوم: قرن ۱۶ میلادی که مصادف با آغاز دوران استعمار در تاریخ می‌باشد. کشورهای اروپایی با تکیه بر نیروی دریائی قوی و عظیم خود، کشورهای دیگر را یکی بقیه در ص ۶

جهانی شدن Globalization

بخش اول

جهانی شدن روندی است که هر چند خود از قرنها پیش آغاز شده، ولی وازگان آن و به عبارت دقیق تر ادبیات آن تنها در آخرین دهه‌های قرن بیستم میلادی متداوول گردیده است. این کلمه به مفهوم امروزی آن برای اولین بار در علم جامعه شناسی بکار برده شد که کاربردش را از یک لغت نامه انگلیسی که برای اولی بار در سال ۱۹۶۱ این کلمه در آن ظاهر و معنی شده بود، اقتباس می‌کند (دائرة المعارف ویکی پدیا).

با انتشار مقاله The globalization of markets در سال ۱۹۸۳ کاربرد نوین این کلمه بُرد جهانی پیدا نمود. تنها از سال ۱۹۹۰ است که این واژه نوین در بحث‌های علمی و عمومی آلمان وارد شده است. این پروسه همانطور که بعدها به تفصیل بدان اشاره خواهد شد از قرن‌های چهارم تا هفتم، پس از میلاد مسیح، آذمان که مسیحیت بر بخش بزرگی از جهان حکمرانی می‌کرد و سپس اسلام بر بخش بزرگ دیگری از جهان حاکم شد، آغاز گردیده است و با انتشار «مانیفس است حزب کمونیست» توسط کارل مارکس و فردریش انگلس در سال ۱۸۴۸ با شعار «پرولتاریای سراسر جهان متحد شوید!» به یک اوج نوین دست پیدا کرد. میان Internalisierung و Transnationalisierung-Multinationalisierung و Globalisierung با وجود شباهت‌های فراوان، تفاوت‌های اساسی موجود است. بطوریکه شرط وجود آخری به دومی و شرط وجود دومی به اولی وابسته است. هنگامی که انسان‌هایی مرزهای کشورشان را پشت سر گذاشته و به کشور دیگری با فرهنگ دیگر وارد می‌شوند و در آنجا سکنی می‌گزینند، ولی تلاش می‌کنند گویش، خصوصیات فرهنگی و اجتماعی شان را حتی المقدور حفظ کنند ما با پدیده Internationalisierung مواجه هستیم. تکیه در این روند بیشتر بر زندگی مشترک فرهنگ‌های مختلف در یک مرز جغرافیایی مشترک است. ولی از آنجایی که مرزهای جغرافیایی در طول تاریخ همواره دستخوش تغییرات زیادی شده است، پدیده چند فرهنگی و آمیزش اجباری آنان پس از قرن‌ها زندگی مشترک در کنار یکدیگر، یکی از مهمترین خودرانشها بشر بسوی جهانی شدن بوده است.

هنگامی که چند کشور و دولت بر اساس منافع ملی، مبادرت به تشکیل ارگان‌های هماهنگ کننده و گاه تصمیم گیرنده در سطح فرا ملی می‌نمایند، ما با پدیده Transnationalisierung مواجه هستیم. سازمان ملل

جهانی شهروندان باشد

که وقتی در قانون اساسی مملکت وجود دو زبان رسمی پذیرفته شده است، هر یک از این زبان‌ها باید بتواند نظام اصلاحات اداری و حقوقی خود را داشته باشد.

۳- کوشش دیگر این گروه، مرز کشیدن در میان هم زبانان و بیگانه دانستن آن بخش از واژگان فارسی که در میان فارسی زبانان خارج از افغانستان رایج است، در حالی که اینها جزء منابع داخلی زبان فارسی به شمار می‌آید.

بدین ترتیب، مردم افغانستان، ناگزیر از بسیاری واژگان و ترکیب‌های کارآمد، زیبا و با معنی محروم می‌شوند، فقط به این دلیل که کسانی در جایی دیگر آن‌ها را بکار برده‌اند. حاصل این سیاست آن می‌شود که فارسی زبانان این کشور در موارد بسیاری برای بهسازی زبان خویش با استفاده از منابع همین زبان، دچار محدودیت یا محرومیت شوند. این در حالی است که قانون اساسی افغانستان وظیفه تلاش برای رشد زبان‌های ملی کشور را بر دوش دولت نهاده است. دیگر پیامد نامطلوب این رویه، که هم اکنون نشانه‌های خود را آشکار کرده است، ایجاد عصبیت، بدینی و نامهربانی میان مردمی است که قرن‌ها برادروار در کنار هم زیسته‌اند.

توبیخ بعضی از دست اندکاران رادیو و تلویزیون بلخ به اعتبار کاربرد واژگان همچون «دانشگاه»، «دانشکده» و «دانشجو» تغییر نام نگارستان ملی به «گالری ملی»، «تغییر لوحه‌های بعضی از ادارات دولتی و زدوون کلمات فارسی از آنها، تفکیک مکاتب پشتوزبان و فارسی زبان از همدیگر و امثال این‌ها که در ماه‌های اخیر رخ داده است، نشانه‌هایی از اقدام هایی است که با چنین دستاویزهایی صورت گرفته و البته در هیچ یک از آنها، نظر کارشناسان فارسی و پشتون ملاک عمل دانسته نشده است.

ما امضاء کنندگان این بیانیه، به دولت افغانستان و نهادهای رسمی آن، نسبت به خطیری که زبان فارسی افغانستان و فراتر از آن، وحدت ملی کشور را تهدید می‌کند، هشدار می‌دهیم و تقاضامندیم، رویه‌ای را پیش گیرند که هم زمینه بهسازی و تقویت زبان ملی کشور فراهم شود و هم میان اهالی زبان‌های مختلف، بدینی و ناهم‌دلی پذید نیاید.

به یقین زبان فارسی در افغانستان ریشه‌ای محکم ترا از آن دارد که بدین بادها از جای درآید، تجربه پنجاه سال اخیر هم این را نشان می‌دهد.

خواسته ما این است که نهادهای دولتی، امکانات مادی و معنوی کشور را که باید صرف بهسازی زبان‌های ملی شود، مصروف این چالش‌های بیهوده نسازند و به جای ضربه زدن بر پیکر این زبانها، به فکر چاره جوبی آسیب هایی باشند که همه زبان‌های رایج کشور را تهدید می‌کند.

بیانیه فرهنگیان و فرهنگیان افغانستان

بر علیه پارسی سیزی دولت و دستگاه‌های خبری

زبان فارسی دری، زبان دوم جهان اسلام است، بادامنه گسترده تاریخی و جغرافیایی. این زبان در روزگاران نه چندان دور، از نواحی چین تا آسیای صغیر و از شبه قاره هند تا مواراءالنهر کاربرد داشته و آثار علمی و ادبی گران‌باری در آن پدید آمده است که شماری از آن اعتبار جهانی دارد. در این میان کوشش افغانستان و مردم آن در رشد و گسترش این زبان قابل توجه و گاه تعیین کننده بوده است. این کشور در چندین دوره تاریخی، مهمترین کانون زبان فارسی دری بشمار می‌آمده است.

بسیاری از اقوام غیرفارسی زبان، به سبب آمیزش با مردم این سامان، زبان فارسی را آموخته و در مواردی، خدمات شایسته ای بدان کرده‌اند. به طور ویژه باید به بعضی زمامداران و ادبیان پشتون تبار کشور اشاره کرد، همچون تیمور شاه درانی، مهر دل خان مستوفی، عایشه درانی، محمود طرزی، عبدالحی حبیبی و عبدالله افغانی نویس. با این حال دریغ که از نزدیک به نیم قرن پیش، به سبب عواملی که بر کسی پوشیده نیست، از سوی گروهی از اهالی سیاست و فرهنگ مملکت، تلاش‌هایی برای تضعیف زبان فارسی دری صورت گرفته است. این تلاش‌ها در دوره تاریخی حاضر نیز ادامه دارد، زمانی که مردم افغانستان به همدلی و همراهی بیشتر نیاز دارند.

۱- تلاش این گروه تفکیک دو نام این زبان یعنی «فارسی» و «دری» از هم دیگر است، تا هم میان یکصد میلیون گوینده این زبان در جهان فاصله بیاندازند و هم به این بهانه که بعضی از واژگان، فارسی برخی دری اند، دست فارسی زبانان افغانستان را از بخشی از ذخایر این زبان کوتاه سازند. این در حالی است که همه متون معتبر علمی و ادبی، بر یگانگی این زبان گواهی می‌دهد و حتی بسیاری از مردم افغانستان، هم اکنون کلمه فارسی را بکار می‌برند. بگذریم از اینکه به استناد شواهد و استناد تاریخی، این زبان تا نیم قرن پیش، در افغانستان نیز فارسی نامیده می‌شده است.

۲- دستاویز دیگر، مفهوم به نام «زبان ملی» است و این باور نادرست که زبان ملی باید آمیزه‌ای از زبان‌های رایج در کشور باشد. اینان به این بهانه که باید امور اداری مملکت مختل نشود واژگان غیر فارسی را بر فارسی زبانان افغانستان تحمیل می‌کنند، در حالی

شکست دور از انتظار کارروان ورزشی ایران در المپیک پکن

در مسابقه های المپیک پکن که از آن بعنوان گران ترین و باشکوه ترین دوره از تاریخ المپیاد یاد می کنند، قهرمانان و نام آوران ایران با شکستی سنگین و دور از انتظار روبرو شدند. جز در دو مورد: یکی رشته تکواندو که هادی ساعی برای دومین بار به نشان طلای المپیک دست یافت - بار نخست در المپیک آتن بود - و دیگری مراد محمدی که در گشتی آزاد نشان نقره گرفت. دیگر نام آوران ما در گشتی آزاد و وزنه برداری که از ورزش های سُنتی ما هستند ناکام مانده و با شکست روبرو شدیم.

شکست احسان حدادی در پرتاب دیسک، عدم حضور حسین رضازاده، قوی ترین مرد جهان در این دوره از مسابقه ها نشان دهنده عدم شایستگی اداره کنندگان ورزش کشور است. عدم حضور یا مانع شرکت کردن رضازاده در المپیک پکن گفت و گوهایی را باعث شده است. رضازاده اگر در مسابقه شرکت می کرد، به احتمال بسیار زیاد سومین طلای المپیک خود را دریافت می کرد و نام او در تاریخ المپیک همراه با سه تن دیگر که تاکنون سه طلایی شده اند، برای همیشه ثبت می گردید.

ایا سردمداران نظام از اینکه یک پهلوان ایرانی به چنین جایگاه رفیعی برسد نگران هستند؟ پاسخ رضازاده به مسئولانی که به پیشنهاد پژوهشکان از او خواسته بودند که در مسابقه شرکت نکند! گویای چنین امکانی است. رضازاده در پاسخ می گوید حال که مقام های ورزشی صلاح نمی دانند من در مسابقه شرکت کنم، «موضوع را به آگاهی مردم ایران برسانید». جمله ای که بسیار با معنی است. آیا امکان دارد که در المپیک آینده در لندن چنین وضعیتی برای هادی ساعی پیش نیاید؟

ورزشکاران غیرتمند و مربیان دلسوز و زحمتکش ما، هر چه در توان دارند برای پیروزی در میدان های ورزشی بکار می بند. عدم شایستگی هیأت های سربرستی، حضور عوامل امنیتی، بی علاقگی مسئولان در پیروزی پهلوانان ما و به ویژه استقبال گسترده و سراسری مردم قدرشناس و ورزش دوست ایران از نام آوران سر بلند ایران که همواره باعث ترس و وحشت سردمداران نظام بوده است، عوامل بزرگ این شکست ها دردآور است.

با وجود شکست های یأس آور و ناامید کننده، پیروزی های ساعی و مراد محمدی را که اگر موفقیت آنها نبود در آخر جدول رده بندی نشان ها قرار می گرفتیم.

ما این پیروزی ها را به آنان و جامعه ورزشی شادباش می گوییم.

جهانی شدن ...

پس از دیگری تسبیح می کنند و فرهنگ، زبان و سازمان های مدنی خود را در آنجاها رواج می دهند.

۱- موج سوم: قرن ۱۸ میلادی - همراه با گسترش ابزار جنگی، رقابت ها و جنگ های قدرت های بزرگ در سراسر جهان وارد مرحله جدیدی می شود. قدرت جدیدی در دنیا - آمریکا - ظهور می کند. بلوک بندی ها تغییر می کنند و همراه آن مستعمرات مدام از دستی به دست دیگر می افتد. از سوی دیگر در آسیا دست اندازی های روسیه و ژاپن به همسایگان شان در آنسو و نفوذ امپراتوری عثمانی در اینسو ساختار بسیاری از ملت های مغلوب را به نفع کشورهای غالب در هم می شکند. در این مرحله این «کالا» سرمایه داری است که همه مقاومت ها را در هم می شکند و وظیفه جهانی کردن را به عهده می گیرد.

۲- موج چهارم: نیمة قرن ۱۹ - گسترش تجارت جهانی و ظهور امپریالیسم

۳- موج پنجم: که از سال های ۵۰ قرن بیستم آغاز می شود مشخصه بارز این دوره آغاز جنگ سرد میان دو سیستم سوسیالیستی و سرمایه داری و دو پایه ریزی سیستم های اقتصادی - اجتماعی، حقوقی و نظامی فرامیانی مانند سازمان ملل متحد، اتحادیه های اقتصادی دو نظام در اروپا و همچنین اتحادیه های نظامی آنان می باشد.

۴- موج ششم که از سالهای ۱۹۹۰ پس از فروپاشی سوری و متحداش آغاز شده است. اکنون تلاش می شود هر یک از امواج فوق با تفصیل بیشتری توضیح داده شود

موج اول جهانی شدن

امپراتوری روم غربی در سال ۴۷۶ زیر ضربات کوبنده بربرا فرو پاشید و دوران موسوم به قرون وسطی دوران فئودالیسم آغاز گردید. در طی سده پنجم، قبائل ژرمن (بربرها)، سراسر قلمرو امپراتوری روم را مورد تاخت و تاز قرار دادند. واندالها (Vandals) در آفریقای شمالی - ویزی گت ها (گتھای غربی) در اسپانیا - اینگلها و ساکسون ها در بریتانیا - فرانک ها در گل (فرانسه کنونی) و استروگتها (گتھای شرقی) در ایتالیا اقامت گزیدند. تشکیل پادشاهی فرانک ها و بعد امپراتوری شارلمانی که تقریباً تمام اروپای غربی و شمال آفریقا را زیر سلطه خود در آوردند و اتحاد دولت و کلیسا در این دوره و رواج فئودالیسم در تمامی این قلمرو اولین موج بزرگ یکسان سازی در اروپای غربی بوده است درست در همین زمان در شرق اروپا - اسلاموها، امپراتوری بیزانس شرقی را تسبیح کردند. برده داری را لغو و فئودالیسم را در سراسر امپراتوری رواج دادند. در آنجا نیز کلیسا موفق شد خود را به عنوان مذهب فرامیانی و همگانی سراسر امپراتوری های اسلام تثبیت نماید. ادامه دارد

جوانان ایران قهرمان دوم گشتی فرنگی جهان

تیم گشتی فرنگی جوانان ایران با نشان طلای سعید عبدالولی و سه نشان نقره رضا اسدپور، محمد رضا اکبری، شیر باجان زاده و نیز نشان برنز بدالله عرب جعفری بر سکوی دوم جهانی ایستاد.

والیبال جوانان ایران قهرمان آسیا

در چهاردهمین دوره مسابقه های قهرمانی والیبال جوانان آسیا در تهران، جوانان ایران برای چهارمین بار قهرمان آسیا شدند. پیش از نیز در سال های ۱۹۹۸ و ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶ نیز ایران به مقام قهرمانی رسیده بود. ما این پیروزی جوانان گشتی فرنگی والیبال را به آنان و مریسان و همچنین جامعه ورزشی شادباش می گوییم.

موفقیت تیم ملی بسکتبال جوانان در احرار

مقام قهرمانی آسیا

تیم ملی بسکتبال جوانان ایران با شکست دادن فراغستان به مقام قهرمانی آسیا در رده زیر ۱۸ سال دست یافت.

در مسابقه فینال این مسابقات که در سالن پر از جمعیت بسکتبال مجموعه ورزشی آزادی تهران برگزار شد، تیم ایران با کمک مهدی شیرجنگ، فردی فرمان، رامین هنرمند و محمد امجد فراغستان را ۷۶-۹۵ مغلوب کرد. ایران که در یک بازی نزدیک در نیمه نهایی سوریه را ۸۰-۷۸ مغلوب کرده بود، در انتهای کوارتر اول دیدار نهایی فاصله خود را از حریف افزایش داد و در ادامه راه با پرتاپهای سه امتیازی پیساپی امکان کاهش اختلاف را از حریف خود گرفت.

تیم ملی بسکتبال جوانان ایران با راهیابی به فینال مجوز حضور در مسابقات قهرمانی جهان در رده سنی زیر ۱۹ سال را که در سال ۲۰۰۹ در نیوزیلند برگزار می شود، کسب کرده بود. ایران در مرحله مقدماتی در گروه D، سوریه و مالزی را شکست داد و در مرحله دوم، ژاپن و کره را مغلوب کرد. بازیکنان جوانان ایران در سال ۲۰۰۴ نیز به مقام قهرمانی آسیا دست یافته بودند.

پیروزی قهرمانان تیم ملی بسکتبال جوانان را به عموم مردم ایران بخصوص قهرمانان جوان ورزشکار و همینطور ریاست فدراسیون جناب آفای محمود مشحون و همکاران ایشان صیمانه تبریک عرض نموده و کسب موفقیت های بیشتری را برای آنان آرزومندیم.

درسهایی که از رویداد گرجستان باید گرفت

بقیه از ص ۳

نشان داد. ارتش روسیه به سرعت وارد آستیای جنوبی شد و تا ۳۵ کیلومتری تقليسی پیش آمد. پوتین نشان داد روسیه امروز با روسیه تضییف شده پس از فروپاشی سوریه تفاوت اساسی دارد.

سران اتحاد اروپا و آمریکا نیز ترجیح دادند به عوض درگیر شدن در یک عملیات نظامی بیهوده از مسیر راه کارهای سیاسی و گفت و گو به روپارویی برخیزند و از تکرار جنگ سرد دیگری با روسیه که نتیجه و سرانجام آن روش نخواهد بود، خودداری کنند.

در اثر اشتباهی که ساهاکاشویلی مر تک شد، اکنون روسیه در استانهای آسیا و آبخازیا دست بالا را داشته و موضوع استقلال این دو استان را مطرح کرده است؛ امری که مورد موافقت دولت های غربی نیست. چنانچه استقلال این استانها صورت واقع بخود بگیرد، گرجستان شرایطی به مرائب دفتر از گذشته خواهد داشت.

اشتباه میخانیل ساهاکاشویلی چه بسا ممکن است توسط سردمداران جمهوری اسلامی این بار در ایران اتفاق افتد. سردمداران اسلامی که از میزان نفرت و انزجار مردم نسبت به خود و نظام اشان آگاهند و به دلیل بی کفایتی و عدم لیاقت، با وجود

درآمد سرشار نفت و گاز، ملت را به بدختی کشانده اند، برای جلوگیری از طغیان و خیش ناگهانی مردم در پی ایجاد یک حادثه افربینی خارجی هستند. سخنان بی محظوظ و بدون پیشتوانه عملی رئیس جمهوری اسلامی درباره حذف کشور اسرائیل از صفحه جغرافیای جهان، بیش از آنکه نشاندهنده قدرت باشد، نمایانگر ضعف و ناتوانی سردمداران نظامی است که از سرنوشت شومی که در انتظارشان است، وحشت زده هستند.

بقیه در ص ۸

همبستگی سازمان و انضباط تشکیلاتی...

بقیه از ص ۱
می نماید مردم آگاه ایران به ویژه احزاب و گروههای آزادیخواه بیش از هر وقت راه وحدت و یگانگی را در پیش گیرند. از اینرو جبهه ملی ضمن تأکید ضرورت بر حفظ انسجام درونی خود و همبستگی و همکاری هر چه بیشتر

گروههای واپسنه به خارج اعلام می دارد:

۱- از آنجایی که در پرتو انقلاب ارتباطات و اطلاعات، نظرخواهی از سوی مراکز ارتباط جمعی درباره رویدادهای سیاسی نیاز به پاسخگویی های فوری و فوتی دارد، لذا اظهار نظرهایی که از سوی برخی افراد جبهه ملی صورت می گیرد می بایست صرفاً به عنوان نظر شخصی و فردی تلقی شود. بدیهی است جبهه ملی نظرات رسمی خود را درباره رویدادهای پیش آمده به ویژه مسائل مطروحه راجع به ایران را به وسیله سخنگوی جبهه ملی و یا بیانیه های منتشره با امضای مقامات مسئول ابراز و اعلام می دارد.

۲- با توجه به اینکه گروه های سیاسی فعال وابسته به جبهه ملی در خارج از ایران به ویژه در اروپا و آمریکا در شرایط اجتماعی - سیاسی منتفاوت و در عین حال فضای سیاسی باز بسیار می بزند غالباً بر اساس مقتضیات جامعه مربوطه خود و در نظر گرفتن مواضع گروه های سیاسی ایرانی دیگر خط مشی هایی که اتخاذ می نمایند ممکن است تا حدودی همسویی با گروه های همگرایی نیز نداشته باشد و حتی از لحاظ سیاسی نیز همگرایی لازم با برخی نظرات جبهه ملی در داخل کشور نداشته باشد، به همین دلیل جبهه ملی ایران با در نظر گرفتن نکات گفته شده، ضمن تأکید بر پای بندی های گروه های وابسته به جبهه ملی در خارج به اصول هفتگانه مندرج در اساسنامه جبهه ملی از صدور دستورالعمل های رسمی و مستقیم خودداری نموده و تنها به توصیه ها و ارائه طریق های کلی و پرهیز از دو دستگی و چندگانگی بسته نموده است.

۳- جبهه ملی همه گروه های معتقد به اصول و هدفهای جبهه ملی را جزوی از خانواده واحد خود دانسته و ضمن داشتن روابط حسن و سازنده با تمامی آنها، اولویت برای گروه خاصی نسبت به گروه های دیگر فائل نیست و در ضمن بر آن است راهبری و شیوخیت کسانی که از لحاظ قدمت و سابقه سالها در راه مبارزات جبهه ملی قدم و قلم زده اند نبایستی نادیده گرفته شود.

۴- در شرایط خطر بحرانی و نگران کننده ایران و منطقه، بیش از هر وقت حفظ وحدت، یگانگی و یکپارچگی میان تمامی گروه های متصف به جبهه ملی اعم از داخلی و خارجی امری ضروری و مسئولیتی ملی و تاریخی می باشد. بدیهی است در چنین شرایط پر دغدغه و مخاطره آمیز بر تمامی گروه ها واجب است که تلاش همه جانبه و پیگیر جهت پایان دادن به بزرگنمایی اختلاف سلیقه ها و دیدگاه های متفاوت در پیش گیرند و بدینظریق نقش و جایگاه جبهه ملی را در ساخت و پرداخت آینده ایران تضمین نمایند.

بخشی از شعر

منظمه

از شادروان محمد علی راشد^۱

یک شب که ابر تیره
نور ستارگان،
این لولیان شب را،
در بند کرده است
اندیشه کوده! ید به سوسوی اختران؟
نه، منظمه را بیاد آورید
آن چشمها که زینت کاشانه شماست،
ناهید، زهره، مهر، اورانوس
هر نام دیگری که به چوئید
هر نور را که دوست بدارید ...
در آن میانه نیست?
...
یک شب که ابر تیره بهمن
نور ستارگان
این لولیان شب را
در بند کرده بود،
بحران تب به شهر در آویخت
معیارهای شهرعوض شد
منظمه های نام فرو ریخت
دیگر بر کوچه های خسته این شهر
از نامهای خاطره انگیز ...
یک نقطه هم بجای نماند است.

- شادروان دکتر محمد علی راشد پزشکی وظیفه شناس و انساندوست، پیرو اندیشه های مصدق و دارای ویژگی های اخلاقی یک انسان کامل بود.

خوانندگان گرامی می توانند مطالب خود را چهت چاپ در نشریه جبهه ملی خارج کشور، به نشانی زیر پرستند.
راه تماس با سازمان جوانان جبهه ملی خارج از کشور:
www.javanane-melli.de
info@javanane-melli.de

نشریه
جبهه ملی ایران
خارج کشور
با مسئولیت هوشنگ کردستانی زیر نظر
هیأت تحریریه
هوشنگ کردستانی، مهندس مسعود هارون - مهدوی،
دکتر امیر هوشمند ممتاز و دکتر حسن کیانزاد هر ماه
یک بار در خارج از کشور انتشار می یابد
نوشتارهای با نام نویسنده در نشریه جبهه ملی ایران
خارج کشور، الزاماً نظر جبهه ملی ایران نیست.

در سهایی که از رویداد گرجستان باید گرفت بقیه از ص ۷ آنها که از اجتماع زنان آزاده ای که در بی احراق حقوق انسانی خویشند جلوگیری می کنند، از اجتماع مردم در سالگرد فروهرها به وحشت می افتدند، پاسخ های خواست های برق معلمان و کارگران زحمتکش، دانشجویان آزاده و جوانان امید از دست داده را با زندان، تبعید و اعدام می دهند به پندار خود می خواهند کشوری را از صحنۀ روزگار حذف کنند که برای بقای خود در صورت نزوم از کاربرد جنگ افزارهای هسته ای هم خودداری نخواهد کرد.

زماداران اسرائیل بر این باورند که در صورت دست یابی جمهوری اسلامی به جنگ افزار هسته ای، این اسرائیل است که در تیررس موشك های آن قرار دارد. از این رو، انکار نمی کنند چنانچه تحریم های سازمان ملل و کشورهای اتحاد اروپا کارساز نباشد و جمهوری اسلامی همچنان به کار غنی سازی اورانیوم ادامه دهد. آنها به تنها پیش از آنکه جمهوری اسلامی صاحب بمب اتمی شود، با یک حمله هواپی غافل گیر کنند، تأسیسات اتمی و پایگاه های نظامی آنرا در هم خواهند کویید. امری که باعث نگرانی و دلهره بسیاری از دولت مردان کشورهای بزرگ غربی شده است.

سخنان رئیس جمهوری فرانسه در سالگرد تأسیس کشور اسرائیل که طی آن بادآور شد چنانچه اسرائیل مورد حمله قرار گیرد ما پشت سر اسرائیل قرار خواهیم گرفت، دعوت بشار اسد به پاریس و سپس سفر او به تهران که گفته می شود حامل پیام کشورهای ۵+۱ برای سردمداران اسلامی پیرامون توقف غنی سازی اورانیوم می باشد. آمادگی اسرائیل به مذاکره با سوریه در مورد بلندی های جولان، همه گواه آنست که سیاست اسرائیل و حامیان غربی او در جهت دور کردن سوریه از جمهوری اسلامی هستند تا در یک حمله احتمالی هواپی اسرائیل به ایران، سوریه با استفاده از نفوذ خود مانع اقدام نظامی حزب الله لبنان علیه اسرائیل گردد.

سوریه بارها نشان داده است که نه پایبند دوستی با جمهوری اسلامی است و نه توان روبارویی با قدرت نظامی اسرائیل را دارد. از این رو به توافق رسیدن با سوریه امری دو را از انتظار نیست. در یک درگیری نظامی با ایران، اسرائیل پیش از حماس نگران و اکنون حزب الله است. چنانچه با سوریه به توافق برسد و از جانب حزب الله مطمئن گردد، برای آغاز حمله هواپی به ایران تردیدی بخود راه نخواهد داد.

در چنین شرایط نگران کننده ای سردمداران جمهوری اسلامی به غلط می پندارند که در صورت وقوع یک جنگ احتمالی به بهانه آنکه کشور در شرایط جنگی است، می توانند سرکوب های وحشیانه خود را گسترش دهند و جناحهای مخالف درون حاکمیت را نیز وادار به سکوت نمایند.

آنها با مقایسه ای نادرست از برخورد احتمالی آینده با زمان یورش صدام حسين - بدون توجه به جو نارا - تصور می کنند که در صورت وقوع یک حمله خارجی، مردم حتی مخالفان نیز پشت سر آنها قرار خواهد گرفت. آنها به استیاه روی حمایت احتمالی روسیه و چین نیز حساب می کنند؛ به همانگونه که اساهای اکشوابی را روی حمایت آمریکا و اروپا حساب می کرد. تصویری که بدور از واقعی بینی و آگاهی سیاسی است. قدر تهای بزرگ که بر سر منافع ملی و جهانی خود با هم به سازش می رسند، هیچگاه دست به اقدامی نمی زند که توافق های آنها را خدشه دار کرده و یا به خط اندازد.

آنچه مسلم است اینست که، در صورت یک حمله غافلگیرانه هواپی به ایران، سردمداران نظام اسلامی، شهامتی پیش از صدام حسين از خود نشان نخواهند داد و این مردم ایران هستند که باید بار بدبختی های فاجعه آمیز حادثه آفرینی های خودسرانه سردمداران نالایق اسلامی را به دوش کشیده و تحمل کنند.